



دانشکده‌ی ادبیات و زبان‌های خارجی

گروه آموزشی زبان‌های خارجی

پایان‌نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد

رشته‌ی زبان‌شناسی همگانی

عنوان:

بررسی و تبیین نقش جنسیت در نوبت‌گیری در فرایند مکالمه

در بین گویشوران زبان فارسی

استاد راهنما:

دکتر سید محمد رضی نژاد

استاد مشاور:

دکتر توحید صیامی

پژوهشگر:

لیلا علیزاده نبیل

زمستان ۹۵

نام خانوادگی دانشجو: علیزاده نبیل	نام: لیلا
عنوان پایان‌نامه: بررسی و تبیین نقش جنسیت در نوبت‌گیری در فرایند مکالمه در بین گویشوران زبان فارسی	
استاد راهنما: دکتر سید محمد رضی نژاد استاد مشاور: دکتر توحید صیامی	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	
رشته: زبان‌شناسی	گرایش: همگانی
دانشگاه: محقق اردبیلی	دانشکده: ادبیات و علوم انسانی
تاریخ دفاع: ۱۳۹۵/۱۲/۱	تعداد صفحات: ۹۱
چکیده:	
<p>پژوهش حاضر در حوزه‌ی جامعه‌شناسی زبان و تحلیل گفتمان انجام شده و هدف آن بررسی عامل اجتماعی و غیرزبانی جنسیت در نوبت‌گیری در مکالمه است. نگارنده در نظر دارد تا گفتگوی طرفین مکالمه را با توجه به نظریه‌ی تسلط لیکاف از جنبه‌ی نشانه‌های زبانی بررسی و فرانش‌های بینافردی آن را از دیدگاه هلیدی مورد ارزیابی قرار دهد و به واکاوی تأثیر جنسیت در نوبت‌گیری در مکالمه بپردازد. بدین منظور فیلم سینمایی واکنش پنجم به علت دارا بودن معیار جنسیت و قدرت در گفتگوهای مشارکین آن، به عنوان پیکره‌ی پژوهش انتخاب شده و داده‌های آن به صورت کیفی و کمی مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته است. با توجه به نظریه‌ی تسلط، نشانه‌های زبانی به کار رفته در گفتمان مشارکین زن و مرد در محیط‌های جنسیتی مختلف استخراج و فراوانی هر یک به تفکیک جنسیت محاسبه شد. در مرحله بعد داده‌ها براساس چارچوب نظری دوم مورد تحلیل قرار گرفتند و فرانش‌های بینافردی بکار رفته توسط هر یک از مشارکین زن و مرد استخراج شد. نتایج به دست آمده حاکی از آن بود که نشانه‌های زبانی و وجوه بینافردی که قدرت در آن‌ها مستتر است به دریافت نوبت‌های بیشتر و طولانی‌تر توسط به کار گیرندگان آن می‌انجامد و با توجه به نظریه‌ی تسلط و دیدگاه هلیدی عدم توزیع یکسان قدرت در بین مشارکین زن و مرد مشهود است. از طرفی عوامل غیرزبانی متعددی در اخذ و اعطای نوبت‌های بیشتر در مکالمه دخیلند که به عنوان نمونه می‌توان به فرهنگ، سطح تحصیلات، شغل و... اشاره کرد.</p>	
کلیدواژه‌ها: نوبت‌گیری، جنسیت، جامعه‌شناسی زبان، نشانه‌های زبانی، فرانش‌های بینافردی	

عنوان	صفحه
فصل اول : کلیات پژوهش	
۱-۱- اهداف فصل.....	۲
۲-۱- مقدمه.....	۲
۳-۱- بیان مسأله.....	۶
۴-۱- سؤال های پژوهش.....	۶
۵-۱- فرضیه های پژوهش.....	۶
۶-۱- ضرورت و اهمیت انجام پژوهش.....	۷
۷-۱- اهداف پژوهش.....	۷
۸-۱- محدودیت های پژوهش.....	۷
۹-۱- خلاصه ی فصل.....	۸
فصل دوم: مبانی نظری و پیشینه ی پژوهش	
۱-۲- اهداف فصل.....	۱۰
۲-۲- جنسیت و زبان.....	۱۰
۳-۲- دیدگاه های مختلف درباره ی زبان و جنسیت.....	۱۱
۱-۳-۲- نظریه ی تابو.....	۱۱
۲-۳-۲- نظریه ی نقصان.....	۱۲
۳-۳-۲- نظریه ی تسلط.....	۱۲
۴-۳-۲- نظریه ی تفاوت.....	۱۳
۵-۳-۲- نظریه ی کنش.....	۱۳
۴-۲- قدرت.....	۱۴
۱-۴-۲- متغیرهای عاری از قدرت در گفتمان.....	۱۵
۱-۴-۲-۱-۱- ضمیر ما.....	۱۵
۲-۴-۲-۱-۲- قیود تشدیدکننده.....	۱۵
۳-۴-۲-۱-۳- صورت های سوالی.....	۱۵
۴-۴-۲-۱-۴- افعال و قیود تردیدی.....	۱۵
۵-۴-۲-۱-۵- پرکننده ها.....	۱۶
۲-۴-۲-۲- متغیرهای قدرت در گفتمان.....	۱۶
۱-۴-۲-۲-۱- کاربرد ضمیر من.....	۱۶

۱۶ ۲-۲-۴-۲- قطع گفتار
۱۷ ۳-۲-۴-۲- افعال امری و خشن
۱۷ ۵-۲- مکالمه و نوبت گیری
۱۸ ۶-۲- بافت مکالمه ای
۱۹ ۷-۲- قطع گفتار
۱۹ ۱-۷-۲- انواع قطع گفتار
۲۰ ۲-۷-۲- علل وقوع قطع گفتار آگاهانه
۲۰ ۳-۷-۲- علل وقوع قطع گفتار نا آگاهانه
۲۱ ۸-۲- همپوشی
۲۱ ۹-۲- عوامل دخیل در انتخاب راهبردهای مکالمه
۲۱ ۱-۹-۲- قدرت در نوبت گیری
	Error! Bookmark not defined. ۲-۹-۲- جنسیت در نوبت گیری
	Error! Bookmark not defined. ۳-۹-۲- فرهنگ در نوبت گیری
	Error! Bookmark not defined. ۱۰-۲- چارچوب نظری
	Error! Bookmark not defined. ۱-۱۰-۲- نظریه ی تسلط
	Error! Bookmark not defined. ۲-۱۰-۲- فرانش های هلیدی
	Error! Bookmark not defined. ۱-۲-۱۰-۲- فرانش بین افرادی
	Error! Bookmark not defined. ۲-۲-۱۰-۲- فرانش اندیش گانی
	Error! Bookmark not defined. ۳-۲-۱۰-۲- فرانش متنی
	Error! Bookmark not defined. ۱۱-۲- پیشینه پژوهش
	Error! Bookmark not defined. ۱-۱۱-۲- پژوهش های انجام شده در حوزه جنسیت و زبان
	Error! Bookmark not defined. ۲-۱۱-۲- پژوهش های انجام شده در حوزه ی نوبت گیری و تحلیل مکالمه
	defined.
	Error! Bookmark not defined. ۱۲-۲- نوآوری در پژوهش
	Error! Bookmark not defined. ۱۳-۲- خلاصه ی فصل

فصل سوم: مواد و روش پژوهش

	Error! Bookmark not defined. ۱-۳- اهداف فصل
	Error! Bookmark not defined. ۲-۳- داده های پژوهش
	Error! Bookmark not defined. ۳-۳- وسایل و ابزار موردنیاز برای انجام پژوهش
	Error! Bookmark not defined. ۴-۳- شیوه جمعآوری داده ها
	Error! Bookmark not defined. ۵-۳- روش تجزیه و تحلیل داده ها

۳-۶- خلاصه ی فصل Error! Bookmark not defined.

فصل چهارم: نتایج و یافته‌های پژوهش

۴-۱- مقدمه Error! Bookmark not defined.

۴-۲- واکنش پنجم Error! Bookmark not defined.

۴-۳- تحلیل داده ها با توجه به نظریه تسلط Error! Bookmark not defined.

۴-۳-۱- نشانه های زبانی Error! Bookmark not defined.

۴-۳-۱-۱- قطع گفتار Error! Bookmark not defined.

۴-۳-۱-۲- پرکننده ها Error! Bookmark not defined.

۴-۳-۱-۳- صورت های تردیدی Error! Bookmark not defined.

۴-۳-۱-۴- قیود تشدید کننده Error! Bookmark not defined.

۴-۳-۱-۵- ضمیر ما Error! Bookmark not defined.

۴-۳-۱-۶- افعال امری Error! Bookmark not defined.

۴-۳-۱-۷- کاربرد ضمیر «من» تاکیدی Error! Bookmark not defined.

۴-۴- تحلیل داده ها براساس دیدگاه هلیدی Error! Bookmark not defined.

۴-۴-۱- تحلیل اپیزود اول (رستوران) Error! Bookmark not defined.

۴-۴-۲- تحلیل اپیزود منزل ترانه Error! Bookmark not defined.

۴-۴-۳- تحلیل اپیزود منزل پیمانہ Error! Bookmark not defined.

۴-۴-۴- تحلیل اپیزود مراسم چهلم همسر فرشته Error! Bookmark not defined.

۴-۴-۵- توصیف اپیزود مدرسه Error! Bookmark not defined.

۴-۴-۶- تحلیل اپیزود منزل فرشته ۱ Error! Bookmark not defined.

۴-۴-۷- تحلیل اپیزود منزل فرشته ۲ Error! Bookmark not defined.

۴-۴-۸- تحلیل اپیزود مزرعهی فرهاد Error! Bookmark not defined.

۴-۴-۹- تحلیل اپیزود بازداشتگاه Error! Bookmark not defined.

۴-۵- خلاصه ی فصل Error! Bookmark not defined.

فصل پنجم: نتیجه‌گیری و بحث

۵-۱- مقدمه Error! Bookmark not defined.

۵-۲- پاسخ به سوالات پژوهشی Error! Bookmark not defined.

۵-۳- مقایسه میزان بکارگیری عوامل زبانی و وجوه بین افرادی در بین مشارکین زن و مرد Error! Bookmark not defined.

not defined.

۵-۴- زمینه های پیشنهادی برای پژوهش های آتی Error! Bookmark not defined.

۵-۵- خلاصه ی فصل Error! Bookmark not defined.

فهرست جداول

عنوان	صفحه
فصل اول :	۱
کلیات پژوهش	۱
۱-۱- اهداف فصل	۲
۲-۱- مقدمه	۲
۳-۱- بیان مسأله	۶
۴-۱- سؤال های پژوهش	۶
۵-۱- فرضیه های پژوهش	۶
۶-۱- ضرورت و اهمیت انجام پژوهش	۷
۷-۱- اهداف پژوهش	۷
۸-۱- محدودیت های پژوهش	۷
۹-۱- خلاصه فصل	۸
فصل دوم:	۹
مبانی نظری و پیشینه پژوهش	۹
۱-۲- اهداف فصل	۱۰
۲-۲- جنسیت و زبان	۱۰
۳-۲- دیدگاه های مختلف درباره ی زبان و جنسیت	۱۱
۱-۳-۲- نظریه ی تابو	۱۱
۲-۳-۲- نظریه ی نقصان	۱۲
۳-۳-۲- نظریه ی تسلط	۱۲
۴-۳-۲- نظریه ی تفاوت	۱۳
۵-۳-۲- نظریه ی کنش	۱۳
۴-۲- قدرت	۱۴
۱-۴-۲- متغیرهای عاری از قدرت در گفتمان	۱۵
۱-۱-۴-۲- ضمیر ما	۱۵
۲-۱-۴-۲- قیود شدید کننده	۱۵
۳-۱-۴-۲- صورتهای سوالی	۱۵
۴-۱-۴-۲- افعال و قیود تردیدی	۱۵
۵-۱-۴-۲- پرکننده ها	۱۶

- ۲-۴-۲- متغیرهای قدرت در گفتمان ۱۶
- ۲-۴-۲-۱- کاربرد ضمیر من ۱۶
- ۲-۴-۲-۲- قطعگفتار ۱۶
- ۲-۴-۲-۳- افعال امری و خشن ۱۷
- ۲-۴-۵- مکالمه و نوبتگیری ۱۷
- ۲-۶-۶- بافت مکالمهای ۱۸
- ۲-۷-۷- قطع گفتار ۱۹
- ۲-۷-۱- انواع قطعگفتار ۱۹
- ۲-۷-۲- علل وقوع قطعگفتار آگاهانه ۲۰
- ۲-۷-۳- علل وقوع قطعگفتار نا آگاهانه ۲۰
- ۲-۸-۸- همپوشی ۲۱
- ۲-۹-۹- عوامل دخیل در انتخاب راهبردهای مکالمه: ۲۱
- ۲-۹-۱- قدرت در نوبتگیری: ۲۱

فصل اول :

کلیات پژوهش

۱-۱- اهداف فصل

در این فصل، نمایی کلی از پژوهش ارائه شده و سعی گردیده تا ضرورت انجام پژوهش در قالب بخش‌هایی چون مقدمه، بیان مسأله، اهداف پژوهش و لزوم و ضرورت انجام آن، پرسش‌های اساسی پژوهش، فرضیه‌های پژوهش و محدودیت‌هایی که پژوهش‌گر در حین انجام با آن مواجه شده است ارائه گردد.

۱-۲- مقدمه

زبان، عرصه‌ی تعامل انسان‌ها است. در حین گفتگو هر یک از طرفین نقش ارتباطی خاصی مانند پرسش‌گر و پاسخ‌گو برای خود برمی‌گزینند و در عین حال برای طرف مقابل نیز نقش ارتباطی ویژه‌ای قائلند. افراد درگیر زبانی دو نقش عمده‌ی ارتباطی را برعهده می‌گیرند و طی آن یا چیزی را اعطا می‌کنند که ما آن را داد می‌گوییم یا چیزی را درخواست می‌کنند که ما آن را ستد می‌نامیم. مورد مبادله نیز در این نقش‌ها اهمیت دارد. داد و ستد یا در مورد اطلاعات است یا در خدمات و اشیا. یکی از اهداف اصلی ارتباط افراد با یکدیگر، ایجاد تعامل به‌منظور برقراری و حفظ مشترکات اجتماعی مناسب در بین آن‌هاست (هلیدی^۱، ۱۹۹۴: ۲۸-۲۵). ارتباط، برقراری تفاهم و هم‌آهنگی بین فرستنده و گیرنده‌ی پیام است و آن را می‌توان عبارت از جریانی دانست که در طی آن دو یا تعداد بیشتری به تبادل افکار، نظریات، احساسات و حقایق می‌پردازند و از طریق به‌کار بردن پیام‌هایی که معنایش برای کلیه‌ی آن‌ها یکسان است به این امر مبادرت می‌کنند (شرام^۲، ۱۹۵۲: ۳-۲).

اگر تصور شود که زبان وسیله‌ای یک سویه، برای سخن گفتن با دیگران است، در آن صورت این حقیقت که زبان وسیله‌ای برای مبادله معناست به دست فراموشی سپرده می‌شود، زیرا ارتباط ذاتاً دو سویه است. تعریف زبان به نحوی که مورد قبول همه زبان‌شناسان و دیگر دانشمندانی که با زبان و مطالعه‌ی آن سروکار دارند باشد، مقدور نیست. این اشکال از طبیعت خود زبان ناشی می‌شود، زیرا که زبان پدیده‌ی بسیار پیچیده‌ای است که مطالعه‌ی آن را نمی‌توان به یک قلمرو علمی خاص، محدود کرد.

زبان دارای جنبه‌های فراوان است، از طرفی وسیله‌ی ارتباط افراد جامعه است. به بیان دیگر زبان مهم‌ترین نهاد اجتماعی است و از سوی دیگر وسیله‌ی بیان افکار و احساسات است (باطنی، ۱۳۶۰: ۱۰-۹). هنگامی که درباره‌ی

1. M. Halliday
2. W. Schramm

تفهم و زبان صحبت می‌شود، قبل از هر چیز معنا به ذهن خطور می‌کند. زبان وسیله‌ی ارتباط محسوب می‌شود. در عین حال در جریان این ارتباط معناها منتقل می‌شوند (تاجیک، ۱۳۷۳: ۱۱).

«جامعه‌شناسی، زبان را از دیدگاه جمع می‌نگرد براساس این دیدگاه، زبان در خدمت برقرارکردن ارتباط فرد با اجتماع خویش است. جامعه‌شناسی زبان به این موضوع که زبان در چه زمان و در چه مکانی، برای چه مقصودی، در حضور چه کسی، با چه لحنی و... مورد استفاده قرار می‌گیرد و نیز به جایگاه زبان در الگوی رفتاری جامعه در بین مردمی که آن را درک می‌کنند، توجه می‌کند» (باقری، ۱۳۷۷: ۵۹).

برخی اوقات از این شاخه به معنای «زبان و جامعه» نیز یاد کرده‌اند که زبان را ابزار ارتباطی در جامعه به حساب می‌آورند که این ابزار پیوسته تأثیر و تأثر متقابل بین افراد می‌گذارد. در واقع زبان در این شاخه «منعکس کننده‌ی تحولات اجتماعی جامعه» است. با توجه به آنچه گفته شد، طیف وسیعی از موضوعات مختلف در زیر چتر جامعه‌شناسی زبان قرار می‌گیرند که از جمله‌ی این موضوعات، کاربردشناسی^۳ است. کاربردشناسی مطالعه‌ی معنی است، معنایی که گوینده یا (نویسنده) آن را منتقل و (شنونده یا خواننده‌ی متن) آن را برداشت می‌کند. بنابراین کاربردشناسی بیشتر با تحلیل منظور افراد از پاره‌گفتارهایشان سروکار دارد تا به معنی خود کلمات یا عباراتی که به کار می‌برند و به بیان دیگر کاربردشناسی بررسی منظور دقیق گوینده است. این گونه بررسی به ناچار منظور افراد در یک بافت خاص و همچنین، چگونگی تأثیر آن بافت بر پاره‌گفتار را نیز در برمی‌گیرد و مستلزم توجه به این نکته است که چگونه سخنگویان، کلام خود را با در نظر گرفتن مخاطب، مکان، زمان و شرایط حاکم دیگر سازماندهی می‌کنند بنابراین کاربردشناسی بررسی معنی بافتی نیز هست.

تحلیل مکالمه^۴ که از آن به تحلیل کلام^۵ نیز یاد می‌شود یکی از رویکردهای مطالعه‌ی زبان گفتاری و سخن است و زیر مجموعه‌ی کاربردشناسی زبان محسوب می‌شود. تحلیل کلام در هر دوره‌ای از زندگی اجتماعی انسان در چارچوب رویکردی خاص تعریف شده و مورد تحلیل قرار گرفته‌است و هریک از این رویکردها نقش مهمی در آنچه که امروز به‌عنوان رشته‌ی تحلیل کلام و تحلیل کلام انتقادی مطرح است، داشته‌اند. حال برای روشن شدن موضوع به ذکر نظراتی درباره مکالمه که مهمترین جنبه در تعاملات زبانی و تحلیل کلام است می‌پردازیم. کاتینگ^۶ (۲۰۰۲) مکالمه را گفتگویی می‌داند که در گذر زمان، توسط مشارکین و به‌صورت دو طرفه ساخته می‌شود و مورد توافق قرار می‌گیرد و معمولاً حالت غیررسمی دارد و از قبل برنامه‌ریزی نشده‌است. در هر گفتگو نوعی تعامل صورت می‌گیرد. البته نحوه‌ی صحبت کردن، براساس بافت‌های متفاوت یکسان است. ساختار این گفتگوها نوعی تعامل بنیادی است که از آغاز زندگی می‌آموزیم و اغلب آن را به کار می‌گیریم و در واقع گفتگو نام دارد.

3. pragmatics
4. conversation analysis
5. discourse analysis
6. J. Cutting

دوران شکوفایی زبان‌شناسی متن و تحلیل کلام در زمان هالیدی رخ داده‌است و زبان‌شناسان دیگر عمدتاً متأثر از دستور نقش‌گرای وی بودند. کلام به قطعه‌ای پیوسته از زبان مخصوصاً زبان گفتاری اطلاق می‌شود که از جمله بزرگ‌تر است. در واقع کریستال^۷ به نقل از لوینسون^۸ گفتمان را مجموعه‌ای از پاره‌گفتارها می‌داند که بدون توجه به ساخت زبانی آن، تشکیل یک واقعه‌ی گفتاری مشخص را می‌دهد مثل یک مکالمه، لطیفه، سخنرانی یا مصاحبه (کریستال، ۲۰۰۸: ۱۰۶).

یارمحمدی، (۱۳۷۲) کلام را واحدی مرکب از جملات مرتبط به هم می‌داند. لطفی‌پور (۱۳۷۱) معتقد است کلام، فرآیندی است که طی آن کلیه‌ی عوامل حاکم بر کاربرد زبان در بین انسان‌ها، شامل عوامل متنی، اجتماعی، فرهنگی و بین شخصی برای تبلور و شکل‌گیری پیام به تعامل می‌پردازند. اصطلاح کلام ظاهراً برای اولین بار در مقاله‌ی «تحلیل کلام» زلیگ هریس^۹ بکار رفته‌است. او در این مقاله دیدی صورت‌گرایانه و ساخت‌گرایانه از سازه‌های بزرگ‌تر جمله دارد و می‌گوید: تحلیل کلام نگاهی صرفاً صورت‌گرایانه به متن است.

به نظر هریس (۱۹۵۲) تحلیل کلام یعنی ادامه رویکرد زبان‌شناسی توصیفی^{۱۰} اما در حد فراتر از جمله و همچنین ارتباط و همبستگی که بین فرهنگ و زبان تلقی می‌شود.

تامپسون^{۱۱} (۱۹۸۴) در مورد تحلیل کلام معتقد است گسترش و بسط سریع پیکره‌ی مطالب به مطالعه موقعیت اجتماعی که در آن موقعیت، کلام به کار می‌رود بستگی دارد. گرچه مرز بین مطالعه‌ی گفتار و مطالعه‌ی متن نوشتاری چندان قاطع و روشن نیست.

در این بخش به واحد اصلی در مکالمه که نوبت‌گیری^{۱۲} است می‌پردازیم که کنشی اجتماعی است و براساس نظام مدیریت مکالمه صورت می‌گیرد و طبق عرف، نظامی شناخته شده برای اعضای گروه اجتماعی خاص است و در صورت عدم در اختیار داشتن این حق، شخص می‌تواند آن را به دست آورد که به آن نوبت‌گیری گویند (تاناکا^{۱۳}، ۱۹۹۹: ۱؛ ویلسون^{۱۴} و زیمرمن^{۱۵}، ۱۹۸۶: ۳۷۵).

ادلسکی^{۱۶} (۱۹۸۱) اظهار می‌دارد نوبت، صحبت ثبت‌شده‌ای است که در ورای آن تصور و نیتی جهت انتقال پیام نقشی^{۱۷} یا ارجاعی^{۱۸} وجود دارد. در این تعریف، قصد و نیت نوبت‌گیرنده و اینکه چه چیزی نوبت را تشکیل می‌-

-
- 7.D. Crystal
 - 8.S. Levinson
 - 9.Z. Harris
 10. descriptive linguistics
 11. S.A. Thompson
 12. turn taking
 13. H. Tanaka
 14. T.P. Wilson
 15. D.H. Zimmerman
 16. C. Edelsky
 17. functional
 18. referencial

دهد بخش مهم آن است. نوبت زمانی، وقتی به اتمام می‌رسد که گوینده احساس کند که پیام تکمیل گردیده- است. در تعریف مناسبی از مکالمه، لوینسون (۱۹۸۳) اظهار می‌دارد که مکالمه اساساً با نوبت‌گیری شناخته می- شود. لوینسون به این ترتیب از ساکس^{۱۹}، شگلف^{۲۰} و جفرسون^{۲۱} نقل می‌کند که ساز و کاری که نوبت‌گیری را اداره می‌کند مجموعه ای از قوانین یا گزینه‌های مرتب است که بر پایه‌ی نوبت به نوبت عمل می‌کند و به همین جهت می‌توان آنرا با اصطلاح نظام مدیریت داخلی شناسایی کرد. به نظر شورت^{۲۲} «در زبان محاوره، ما به هنگام حرف- زدن نوبت می‌گیریم و الگوهای نوبت‌گیری که در گفتگو ظاهر می‌شوند قابل تغییر هستند. به خصوص با توجه به روابط قدرت در میان شرکت‌کنندگان» (شورت، ۱۹۹۴: ۹۴۹).

یکی از تفاوت‌های مهمی که بین زنان و مردان وجود دارد و مورد توجه بسیاری از زبان‌شناسان است، تفاوت در رفتار زبانی است. شاید بتوان گفت که تفاوت‌های زبانی زنان و مردان از همان بدو تولد آغاز می‌شود. در سنین کودکی، دختر و پسر رفتار اجتماعی-زبانی متفاوتی، متناسب با هویت جنسی خود می‌آموزند و بعدها به مرور که بزرگتر می‌شوند، نقش‌های اجتماعی متفاوتی را کسب می‌کنند. همین نقش‌ها، رفتار اجتماعی-زبان شناختی متفاوتی را ایجاد می‌کند. درحقیقت زبان بیانگر هویت ماست. وقتی لب به سخن می‌گشاییم یکی از مختصه‌هایی که آشکار می‌شود، مرد یا زن بودن است (کوتز^{۲۳}، ۱۹۸۹: ۱۶۱).

زنان و مردان با توجه به انتظارات جامعه، نقش و عملکرد متفاوتی در حوزه‌های خاص دارند که باعث بروز تفاوت در رفتار اجتماعی آن‌ها می‌شود که بر روی رفتار زبانی آن‌ها نیز تأثیرگذار است. از این رو جنسیت به‌عنوان یک عامل غیر زبانی در بروز تفاوت و گوناگونی زبانی با زبان همبستگی دارد. رفتار زبانی زنان در هر جامعه ویژگی- های خاصی دارد که در تمامی سطوح زبان حتی راهبردهای ارتباطی و کلامی از رفتار زبانی مردان متمایز می‌شود. مردان از روابط و حسن تفاهم لذت می‌برند اما از آنجا که در آن چنان فرهنگ جنسی رشد یافته‌اند که در آن مقام نقش مهمی بازی می‌کند، اهداف دیگر را در گفتگو مقدم می‌دانند (مدرسی، ۱۳۹۳: ۱۶۷). به‌عقیده‌ی تانن^{۲۴} (۱۹۹۷) مردان به‌دنبال اثبات استقلال خود در الگوهای محاوره‌ای خود هستند تا نشان‌دهند تسلیم خواسته‌های دیگران نمی‌شوند و به‌کارگیری این الگو توسط مردان ناشی از قدرت است. استنبرگ (۲۰۰۶) معتقد است مردان ترجیح می‌دهند همواره اطلاعات بدهند که نشانگر صاحب‌اختیار بودن و داشتن مقام بالاتر است، تا اینکه مشورت- کنند، درحالی‌که زنان انتظار دارند تا درباره‌ی برنامه‌هایشان مشورت شود. با توجه به اهداف مردان و زنان در به- کارگیری این الگوهای محاوره‌ای، اغلب ارتباطات کلامی‌شان در محیط‌های مختلط به سوتفاهم می‌انجامد زیرا

19.H.sacks
20.E.Schegloff
21.G.Jefferson
22.M.short
23.J.Coates
24.D.Tannen

هریک از مشارکین منظور مشارک مقابل را اشتباه تعبیر می‌کند. در مقابل، زنان برای رسیدن به اهداف خود راهبردهای محاوره‌ای^{۲۵} را مورد استفاده قرار می‌دهند. این راهبردها تفاوت‌ها را به حداقل رسانده و عدالت را برقرار می‌کند و از بروز هر نوع حس برتری جلوگیری می‌کند. آنها با مذاکره برای رسیدن به یک اتفاق نظر، تفاوت در عقاید را مهار می‌کنند. این نوع اتفاق نظر رابطه را بهبود می‌بخشد و رضایت هر دو طرف را تضمین می‌کند حتی اگر از تصمیم توافق حاصل کاملاً خشنود نباشند.

۱-۳- بیان مسأله

یکی از عوامل اجتماعی بسیار مهم که باعث ایجاد تنوع زبانی می‌شود، جنسیت است. در حقیقت جنسیت تأثیری مستقیم بر گفتار انسان‌ها دارد. گفتار هر فرد می‌تواند نشان‌دهنده‌ی هویت جنسی او باشد، یعنی از کلام انسان می‌توان پی به زن یا مرد بودن او برد. به اعتقاد نگارنده جنسیت فرد از دو سو بر مکالمه تأثیر می‌گذارد، از یک سو جنسیت فرد بر کلام خود فرد تأثیرگذار است و از سوی دیگر بر رفتار زبانی طرف گفتگو موثر است. با توجه به مطالب گفته شده، در این پژوهش برآنیم تا تأثیر این عامل اجتماعی را با توجه به نشانه‌های زبانی و وجوه گفتاری به کار رفته توسط مشارکین که به قدرت یا عدم قدرت در جنسیتی خاص می‌انجامد را بررسی کرده و تأثیر این عوامل را بر اخذ و اعطای نوبت در مکالمات زنان و مردان بسنجیم.

۱-۴- سؤال‌های پژوهش

در پژوهش پیش‌رو تلاش خواهد شد تا پاسخ‌های مناسبی به پرسش‌های پژوهشی ذیل داده شود.

۱- در فرایند نوبت‌گیری در مکالمه، چه عواملی در قدرت سلطه‌ی یک جنسیت بر دیگری موثر است؟

۲- میزان توزیع قدرت در محیط‌های جنسیتی مختلف در بین مشارکین زن و مرد چگونه است؟

۳- تأثیر چه عواملی در محیط مختلط در اخذ و اعطای نوبت‌های مکالمه، بیشتر است؟

۱-۵- فرضیه‌های پژوهش

پاسخ‌هایی که در قالب فرضیه به سوالات پژوهش داده شده به قرار زیر است:

۱- به نظر می‌رسد که قدرت سلطه، یک جنسیت بر دیگری تابع عوامل بسیاری چون اقتصاد، سیاست، تحصیلات، خانواده و فرهنگ و... وابسته می‌باشد.

۲- به نظر می‌رسد توزیع قدرت در بین زنان و مردان در محیط‌های مختلف نامتجانس است.

۳- به نظر می‌رسد که نوع روابط حاکم بین مشارکین زن و مرد در تعاملات گفتگومانی یکی از مهمترین عوامل در اخذ نوبت‌های بیشتر می‌باشد.

۱-۶- ضرورت و اهمیت انجام پژوهش

از آنجایی که جنسیت به‌عنوان یک عامل غیرزبانی در ایجاد گوناگونی‌های زبانی دخیل است و باتوجه به اینکه عامل جنسیت و زبان هر دو از عوامل اجتماعی محسوب می‌شوند همواره بین زبان و جنسیت یک رابطه‌ی منطقی وجود داشته است. هر جنسیتی گونه‌ای خاص از زبان را مورد استفاده قرار می‌دهد. این گوناگونی‌های زبانی، پژوهشگر را به شناسایی این عوامل که به سلطه‌ی یک جنسیت بر دیگری می‌انجامد ترغیب می‌کند. یافته‌های این پژوهش می‌تواند که گویشوران زبان فارسی را با مشخصه‌های زبانی خاص خودشان و عوامل تسلط یک جنسیت بر دیگری آشنا کند.

۱-۷- اهداف پژوهش

در پژوهش حاضر هدف محقق بررسی عامل جنسیت در نوبت‌گیری گویشوران زبان فارسی می‌باشد. از آنجایی که زنان و مردان باتوجه به انتظارات جامعه نقش و عملکرد متفاوتی در حوزه‌های خاص دارند، این امر باعث بروز تفاوت در رفتارهای اجتماعی آنها می‌شود و بالطبع بر روی رفتار زبانی آنها نیز تأثیر می‌گذارد. علی‌رغم امکان دسترسی به امکانات و موقعیت‌های شغلی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در کشور که زنان در انجام کارها با مردان تفاوتی ندارند اما مردان بیشتر از زنان به سطوح بالای موقعیتی، شغلی، منزلتی، اجتماعی و اقتصادی دسترسی دارند و اکثریت طبقات اجتماعی زنان براساس طبقه اجتماعی مردان سنجیده می‌شود که بخشی به باورهای فرهنگی برمی‌گردد و بخشی هم به باورهای مذهبی و ایدئولوژیکی مربوط است که بنا به گفته هادیان و علی پور (۱۳۸۷) فرهنگ اسلامی و سیاست‌های ایران تأثیر مهمی بر تعیین نقش زنان در زمینه‌ی اقتصاد دارد. موانع قانونی، نابرابری دستمزد و فقدان قدرت اقتصادی در گرفتن رده‌های مناسب شغلی توسط زنان، آنان را در جامعه به انزوا کشانده و همواره در حاشیه نگاه داشته است. با این تفاسیر برآنیم تا با تحلیل مکالمات فیلم سینمایی واکنش پنجم به تأثیر جنسیت در نوبت‌گیری در مکالمه بپردازیم. با توجه به این‌که این پژوهش نخستین بار به نقش جنسیت در نوبت‌گیری در بین گویشوران زبان فارسی می‌پردازد، لذا در غنای مطالعات جنسیتی در حوزه‌ی تحلیل مکالمه و جامعه‌شناسی‌زبان در زبان فارسی کمک شایانی خواهد کرد. یکی دیگر از تأثیرات مهم مطالعه‌ی نوبت‌گیری در فرایند مکالمه، رواج روش‌های تدریس مناسب‌تر و کارآمدتر در سیستم‌های آموزشی است و آخرین و مهمترین هدف این پژوهش بهبود کیفیت ارتباطات اجتماعی و درک متقابل کلام در بین مشارکین گفتگو با رعایت نوبت در مکالمه است.

۱-۸- محدودیت‌های پژوهش

از آنجایی که در انجام هر پژوهش علمی موانع و مشکلاتی امر پژوهش را دشوار می‌کند، در انجام پژوهش حاضر نیز موانعی وجود داشت که از آن جمله می‌توان به عدم دسترسی به منابع و پایان‌نامه‌های آنلاین اشاره

کرد. تهیه‌ی منابع فارسی باتوجه به اینکه در زمینه‌ی نوبت‌گیری پژوهش‌چندانی صورت نگرفته بود روند کار را دشوار می‌نمود. از طرفی عدم وجود کتاب و منابع مرتبط با موضوع در کتابخانه‌ی دانشگاه، انجام این پژوهش را با مشکل مواجه می‌کرد. مهمترین و اساسی‌ترین مشکل بر سر راه این پژوهش انتخاب پیکره‌ی زبانی مناسب بود به-طوری که در ابتدا قصد بر این بود تا داده‌ها به صورت میدانی جمع‌آوری شود، اما افراد مورد نظر برای ضبط مکالماتشان همکاری لازم را نداشتند. همچنین در صورت استقبال از این کار نیز، با صحبت‌های محتاطانه‌ی خود، تأثیراتی منفی در روند کار می‌گذاشتند. در انتها با وجود این مشکلات نگارنده بر آن شد تا برای دور ماندن از این حواشی فیلمی که با معیارهای موضوع پژوهش مرتبط باشد را انتخاب کند.

۱-۹- خلاصه‌ی فصل

در این فصل مسأله‌ی اصلی پژوهش مطرح و سولاتی که ذهن نگارنده را به خود مشغول ساخته بود، طرح و پاسخ‌هایی در قالب فرضیات پژوهش به سولات داده شد. به اهداف پژوهش به صورت شفاف پرداخته شد و اهمیت پرداختن به این موضوع روشن گردید و محدودیت‌هایی که در طول انجام پژوهش همراه پژوهشگر بود، بیان شد.

فصل دوم:

مبانی نظری و پیشینه‌ی پژوهش

۲-۱- اهداف فصل

این فصل به سه بخش مهم تقسیم می‌شود، بخش نخست به ارائه‌ی تعاریفی از متغیرهای پژوهش و واژه‌های کلیدی می‌پردازد. در بخش دوم به چارچوب‌های نظری به کار رفته در تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته خواهد شد. یکی از این چارچوب‌های نظری، نظریه‌ی تسلط لیکاف^{۲۶} است که به منظور استخراج و تحلیل نشانه‌های گفتمانی خاص به کار رفته توسط زنان و مردان مورد استفاده قرار می‌گیرد. چارچوب نظری دیگر که مبنای اصلی کار در این پژوهش خواهد بود، نظریه‌ی فرانش‌های هلیدی^{۲۷} است که به تحلیل داده‌های پژوهش از بعد فرانش‌های بینافردی می‌پردازد و بخش پایانی به پیشینه‌ی پژوهش در داخل و خارج از ایران اشاره دارد.

۲-۲- جنسیت و زبان

زبان ابزاری برای ارتباط افراد است که بسته به جنسیت افراد به اشکالی متفاوت مورد استفاده قرار می‌گیرد. جنسیت^{۲۸} نظامی از ارزش‌ها، هویت‌ها و فعالیت‌هایی را ایجاد می‌کند که از نظر اجتماعی برای زنان و مردان معین شده است. برخلاف «جنس^{۲۹}» که یک ویژگی فردی را شرح می‌دهد، جنسیت به مفاهیمی اشاره دارد که براساس مفاهیم اجتماعی تولید شده‌است و بدون اینکه ویژگی فطری محسوب شود، بر افراد تحمیل می‌شود. برخلاف جنس که قطعی و دائمی است «مگر با تغییر یا جراحی»، جنسیت برخاسته از فرهنگ‌ها و باورها و یک فرهنگ مجزا، سیال و متغیر و موضوعی برای تغییر مستمر است (وود^{۳۰}، ۱۳۸۳). واردوف (۲۰۱۱) معتقد است بین واژه‌های جنسیت و جنس تفاوت وجود دارد و آن‌ها را این‌گونه تعریف می‌کند: «جنس تفاوت بیولوژیک بین زن و مرد است، در حالی که جنسیت رفتارها، نقش‌ها، فعالیت‌ها، نگرش‌ها و مسئولیت‌های منسوب به زن یا مرد در جامعه است». براون (۲۰۰۶) براین باور است که جنسیت از طریق نقش‌های اجتماعی آموخته می‌شود. جامعه‌شناسان زبان، جنسیت را به عنوان یکی از عوامل غیر زبانی که سبب گوناگونی زبانی می‌شود، مورد بررسی قرار داده‌اند و در تحقیقات خود نشان داده‌اند که بین جنسیت و رفتار زبانی همبستگی وجود دارد که این نتایج با بررسی‌های جدیدی که به دنبال پژوهش‌های لباو^{۳۱} در شهر نیویورک به انجام رسیده، به دست آمد. جنسیت از

26.dominance theory

27.Halliday's metafunctions

28.gender

29.sex

30.J.Wood

31.W.Labov

جمله عواملی است که به علت‌های مختلف سبب گوناگونی زبان و تفاوت سبک^{۳۲} گفتار افراد می‌شود (واردف، ۲۰۱۱، ۳۳-۳۵۶). «نقش‌های اجتماعی گوناگون، الگوهای رفتاری متفاوت و انتظارات اجتماعی متفاوتی به وجود می‌آورد و به همین جهت است که انتظارات اجتماعی از زنان و مردان در زمینه‌ی رفتار اجتماعی آنان یکسان نیست» (مدرسی، ۱۳۹۳: ۲۱۲-۲۱۰). وود (۱۳۸۳) به‌عنوان نظریه‌پرداز فمینیسم معتقد است که جنسیت به‌طور عمیقی در روابط اجتماعی نهفته است و زنان و مردان و روابط اجتماعی بین آنان را تعریف می‌کند. برای مثال، جامعه روی هم رفته انتظار دارد مردان گستاخ و زنان مودب باشند. مردان مستقل باشند و زنان روابط خود را بر این اساس منطبق کنند. مردان قوی و زنان ضعیف باشند، مردان آگاه و فعال و زنان پاکدامن و نکته‌بین باشند، مردان بر احساسات خویش کنترل داشته باشند و زنان عاطفی و احساسی باشند. این انتظارات کلی جامعه، نمونه ماهیت فرهنگی جنسیت است.

۲-۳- دیدگاه‌های مختلف درباره‌ی زبان و جنسیت

به‌طور کلی در زمینه‌ی ارتباط زبان و جنسیت، دیدگاه‌های بسیاری وجود دارد که هر یک در تایید یا رد دیگری وارد شده‌اند که به تعدادی از آن‌ها می‌پردازیم.

۲-۳-۱- نظریه‌ی تابو

مطالعات یسپرسن^{۳۴} (۱۹۹۲) درباره جنسیت و زبان را می‌توان نخستین کار کلاسیک در تاریخ چنین مطالعاتی دانست. البته او اولین کسی نبود که در زمان خود درباره زبان و زنان مطالعاتی داشت اما از آن‌جا که مطالعات وی به زبان انگلیسی نوشته شده بود، به‌طور وسیعی در دسترس عام قرار گرفت و در کانون توجه واقع شد. او در کتاب خود به نام «زبان، جنسیت، تحول و ریشه‌های آن» در بخشی با عنوان «زنان» به معرفی مواردی از تنوعات زبانی، براساس جنسیت در زبان‌های مختلف دنیا از جمله زبان انگلیسی پرداخته و به گردآوری و تبیین نمونه‌های کلاسیک از این تفاوت‌ها که معمولاً در حوزه‌های مردم‌شناسی و زبان‌شناسی مورد توجه قرار می‌گیرند متمرکز شده است. رابطه زبان زنان و دشواری‌ها، در برخی نقاط جهان در سطح واژگان کاملاً محرز است. برای مثال در آفریقا، گویشوران زن زبان پانتو^{۳۵}، اجازه نداشتند تا نام پدر، همسر و برادرانشان را ادا کنند و یا حتی واژه‌ای هم‌آوا با هجایی مشابه آن اسامی در زبان عادی استفاده کنند، آن‌ها می‌بایستی واژه‌ای دیگر با معنی مشابه به کار می‌بردند. در خانواده‌های سلطنتی کار دشوارتر بود و مشکل درک زبان زنان پیچیده‌تر می‌شد زیرا نام مردان سلطنتی از چند بخش تشکیل می‌شد که زنان را در یافتن کلمات مترادف به زحمت می‌انداخت به طوری که زنی

32. style

33.R.Wardhaugh

34.O.Jespersen

35.bantu

که از این قاعده تخلف می‌کرد مجازات مرگ برای او در نظر گرفته می‌شد. تابوها علاوه بر واژگان در سطح نحو نیز عمل می‌کنند. هنری^{۳۶} (۱۹۷۸) معتقد است مردان با افزودن till به ریشه واژه‌ها، به جنس مذکر اشاره دارند در حالی که زنان از این صورت زبانی استفاده نمی‌کنند. علاوه بر این او به بسیاری از تفاوت‌های یادگیری، درک و کاربرد زبان بین دو جنس پرداخته و معتقد است که بدعت گذاران اصلی در زبان، مردان هستند که واژگان زبان را با واژگان جدید جایگزین می‌کنند. در نظریه‌ی تابو^{۳۷}، یسپرسن زبان مردان را گونه‌ی اصلی و قابل سلطه و زبان زنان را گونه‌ی انحراف یافته از زبان مردان تلقی می‌کند.

۲-۳-۲- نظریه‌ی نقصان

نظریه‌ی نقصان^{۳۸} رویکردی سنتی است که این نگرش در آن حاکم است که زبان زنان در مقایسه با زبان مردان دارای نقصان است. در این نظریه که به نظریه‌ی دو فرهنگی نیز معروف است، به این اشاره دارد که دنیای مردان و زنان که فرهنگ‌های متفاوت دارند با دنیای زبانی متفاوت ترسیم می‌شوند که به این نقصان (با سرمنشأ طبیعی یا پرورشی) بارها در فرهنگ و باور عامه اشاره شده‌است. برای مثال کلیشه‌های زیادی مبنی بر پرحرف بودن زنان و اینکه سخنی که می‌گویند فاقد پیچیدگی و اهمیت لازم است و تمایل زنان به سخن‌چینی وجود دارد. کتاب‌های آداب معاشرت از قرون وسطی تا دوره‌های معاصر به زنان آموزش داده‌اند که چطور حرف بزنند، چه بگویند و چه نگویند و چقدر بگویند. در آن کتاب‌ها زنان را پرهیز داده‌اند که سخن‌چینی نکنند و از بیان نظر شخصی خود صرف‌نظر کنند و آهنگ صدایشان را همواره پایین و آرام نگه دارند و لحنی موافق داشته باشند (نعمتی، ۱۳۸۲: ۷۷).

۲-۳-۲- نظریه‌ی تسلط

طرفداران نظریه‌ی تسلط^{۳۹}، بر این باورند که مردان بر زنان برتری دارند و در نتیجه این سلطه، به تفاوت زبانی بین زنان و مردان می‌انجامد. این نظریه نخستین بار توسط لیکاف در سال ۱۹۷۵ مطرح شد که طرفداران و مخالفان بسیاری داشت. با توجه به اینکه لیکاف زبان زنان را به‌جای مقایسه با زبان مردان با زبانی خنثی مقایسه کرده، برخی این نظر او را حاصل تعصب مردمان‌بانه‌ی بی‌اساسی دانسته‌اند و به همین دلیل نظریه‌ی لیکاف را در چارچوب نظریه‌ی نقصان که به کمبود و کاستی زبان زنان قائل است می‌دانند. از آنجایی که یکی از چارچوب‌های نظری این پژوهش نظریه‌ی تسلط است، در بخش دوم این فصل به‌طور مفصل به آن خواهیم پرداخت.

36.Henry

37.taboo theory

38.deficiency theory

39. dominance theory

۲-۳-۴- نظریه‌ی تفاوت

در حالی که لیکاف و بسیاری از محققین دنباله‌روی او تقابل قدرتمند و فاقد قدرت را به‌عنوان اصلی‌ترین قاعده درباره سبک‌های زبانی زنان به‌کار می‌بردند، نظریه تفاوت^{۴۰} به‌عنوان پاسخ به انتقادهایی که از نظریه‌ی تسلط می‌شد، مطرح گردید. محققینی چون تانن، با ارائه‌ی نظریه‌ی تفاوت، تغییر به سمت نسبی‌گرایی را مطرح کردند. نظریه‌ی او در مقاله‌ی «نسبیت استراتژی‌های زبانی^{۴۱}» مطرح شده که بیان می‌کند که زنان و مردان سبک‌های متفاوت گفتگو را به‌کار می‌برند، زیرا آن‌ها در واقع در مراحل مهمی از زندگی‌شان از هم جدا می‌شوند. آثار تانن شرحی بر نظریه‌ی تفاوت را ارائه می‌دهد. براساس این نظریه ایفای نقش در گروه‌های تک جنسیتی در سنین کودکی و داشتن همان روابط دوستانه در همان گروه‌ها در دوره‌ی نوجوانی، مردان و زنان را به داشتن خرده فرهنگ‌های مجزا سوق می‌دهد که هرکدام از این خرده فرهنگ‌ها، هنجارهای خاص خود یعنی قوانینی برای رفتار زبانی و به‌طور اخص در مکالمه را ایجاب می‌کند. هنجارهای مکالمه‌ای زنان و مردان در درون گروه‌های خرده فرهنگ‌های خودشان، برای آنچه آنان خواستار تحقق آن هستند، به خوبی عمل می‌کند. نظریه‌ی فوق این امر را تبیین می‌کند که زنان در روابط خود همواره به‌دنبال همکاری، صمیمیت، درک متقابل، برابری، حمایت و تایید یکدیگرند. از سوی دیگر ادعا می‌شود که مردان برای منزلت اجتماعی و استقلال خویش بیشتر اهمیت می‌دهند. مشکلات، زمانی بروز می‌کنند که زنان و مردان در محیطی مختلط با هم ارتباط برقرار می‌کنند که سبک‌های متفاوت زبانی‌شان به بروز سوء تفاهم منجر می‌شود (وارینگ^{۴۲}، ۲۰۰۴: ۹۱-۹۰). راهکار پیشنهادی تانن، تغییر عادات گفتار نیست، بلکه تغییر در عکس‌العمل به عادات جنس مخالف است یعنی به‌گونه‌ای درک تفاوت‌ها و بالابردن آستانه‌ی تحمل نسبت به یکدیگر است. به بیان دیگر تانن معتقد است که هنگام بروز اختلاف در مکالمات زنان و مردان به هیچ وجه مشکل سلسله مراتب یا عدم برابری مطرح نیست و تفاوت‌های زبانی زنان و مردان را نشأت گرفته از تفاوت‌های فرهنگی آنان می‌داند، درحالی که وجود نابرابری‌های جنسی را انکار نمی‌کند و براین باور است که افراد دو جنس به طرق متفاوتی سخن می‌گویند که ممکن است به بروز سوء تفاهم در بین آن‌ها منجر شود.

۲-۳-۵- نظریه‌ی کنش

نظریه‌ی تفاوت و تسلط همچنان در صحنه است اما در عین حال حرکت‌های جدیدی در کار پژوهشگران زبان‌شناس طرفدار مساوات جنسی دیده می‌شود که با پیشرفت در حوزه‌های دیگر علمی که در آن به مسأله جنسیت با روش‌های جدید نظریه‌پردازی پرداخته می‌شود، تسریع می‌گردد. یکی از این نظریه‌ها که به تازگی

40. difference theory

41. Relativity of Linguistic Strategies

42. S. Wareing

مورد توجه زبان‌شناسان قرار گرفته پیرامون مفهوم کنش^{۴۳} است. این مفهوم در بافت وسیع برابری‌طلبی جنسیتی تظاهر پیدا کرده‌است. بافتی که ویژگی بارز آن مخالفت با تصویری بدیهی است که ماهیت ثابت و پایداری را برای جنسیت فرض می‌کند. کوتز (۱۹۹۶) با جمع‌آوری انبوهی از داده‌های مربوط به زنان در گروه‌های دوستانه سعی در نشان دادن این واقعیت دارد که زنان در هنگام صحبت کردن با دوستان خود در حال انجام یا نمایش انواع متنوع و مختلفی از زنانگی خود هستند. آن‌ها همیشه در درون محدوده‌ی جنسیتی‌شان در حال نمایش زنانگی خود براساس نسخه‌های مختلف و معتبر زنانگی هستند و برای انجام این مهم در تکه‌های مهم از مکالماتشان مدام از یک نسخه به نسخه دیگری از زنانگی گذر می‌کنند. کوتز معتقد است که زن بودن مفهوم واحد و ثابتی نیست. او می‌گوید در دنیای پیشرفته‌ی امروزی، زنانگی دارای نسخه‌های گوناگونی است که در دسترس ما قرار می‌گیرد به طوری که مفهوم زن در طول زمان تغییر کرده‌است و در هر زمانی متحول می‌شود و مفهوم آن بسته به بافتی که این واژه در آن به کار می‌رود بازتابی از روابط و ماهیت اجتماعی است که زنان سازندگان آن هستند. مکالمه‌ی دوستانه‌ی زنان با یکدیگر، نشانگر همکاری آن‌ها برای ایجاد دیدگاه مشترک از زنانگی و یاری یکدیگر است.

باتوجه به نظریاتی که درباره زبان و جنسیت ارائه شد، نظریه‌ی لیکاف (۱۹۷۵) و نظریه‌ی تفاوت تانن (۱۹۹۰) سرآمد همه‌ی این نظریه‌ها محسوب می‌شوند به طوری که هیچ مطالعه‌ای در این حوزه وجود ندارند که این دو نظریه را نادیده گرفته باشد، چنانچه موج مطالعات صورت گرفته پس از ارائه‌ی هریک از این دو نظریه، نشان می‌دهد غالب پژوهش‌ها با هدف رد، اثبات یا محک زدن این نظریه‌ها شکل گرفته‌اند.

۲-۴- قدرت

عاملی دیگر از عوامل غیرزبانی موثر در مکالمه، عامل قدرت^{۴۴} است و یکی از اساسی‌ترین روابط اجتماعی متقابل به‌شمار می‌رود. «مطالعات مربوط به الگوهای روابط رسمی در میان گروه‌های کوچک نشان می‌دهد که روابط بین افراد، قدرت، پایگاه و منزلت آنان در تثبیت شبکه‌های اجتماعی‌شان تأثیر مستقیم دارد و از آن به-عنوان شاخصی برای عمل اجتماعی نام برده می‌شود» (قندهاری، ۱۳۸۲: ۳۲). قدرت در درون گفتمان و بیرون از آن، برای هیچ شخص یا گروه خاصی، یک ویژگی همیشگی و ثابت محسوب نمی‌شود بلکه آنان که قدرت را در زمان مشخص در دست دارند همواره باید در تثبیت و حفظ آن بکوشند و نیز آنانی که قدرتی ندارند به‌طور پیوسته در جستجوی کسب آن هستند. این مسأله چه در سطح یک شخص، چه در سطح یک نهاد اجتماعی و

43.practic theory

44.power

چه در سطح یک جامعه صادق است: قدرت در تمامی این سطوح بواسطه یک نزاع اجتماعی به دست می آید، حفظ می شود، اعمال می گردد و نیز از دست می رود (فرکلاف^{۴۵}، ۲۰۰۱: ۵۷).

۲-۴-۱- متغیرهای عاری از قدرت در گفتمان

از مصادیق قدرت یا عدم قدرت در گفتمان نشانه‌های زبانی هستند که استعمال هر یک از آن‌ها توسط مشارکین مکالمه، قدرتمندی یا ضعف افراد شرکت کننده در گفتمان را نشان می‌دهد که در این میان ضمیر ما، قیود تشدید کننده و قیود تردیدآمیز و صورت‌های پرسشی نشانه‌های زبانی عاری از قدرت محسوب می‌شوند که در ادامه به تعاریفی از آن‌ها می‌پردازیم.

۲-۴-۱-۱- ضمیر ما

به عقیده‌ی هیرشمن (۱۹۷۳)، زنان بیش از مردان از ضمیر ما و شما استفاده می‌کنند. به اعتقاد وی آنها این کار را به منظور تأیید حضور طرف مقابل انجام می‌دهند. به طوری که براساس تعریف بی من^{۴۶} (۱۹۸۶) کاربرد ضمیر ما در زبان فارسی برای پایین آوردن منزلت شخصی است که آن را مورد استفاده قرار می‌دهد و در مقابل شأن شخص مقابل چه مخاطب و یا سوم شخص را بالا می‌برد.

۲-۴-۱-۲- قیود تشدیدکننده

بنابر عقیده‌ی ابار و اتکینز^{۴۷} (۱۹۸۰)، لیکاف (۱۹۷۵)، یسپرسن (۱۹۹۲) زنان نسبت به مردان بیشتر از قیود تشدیدکننده مانند «خیلی، بسیار، زیاد و بی‌نهایت» استفاده می‌کنند. لیکاف در مقاله‌ی خود قیود تشدیدکننده را از مواردی می‌شمرد که برجسته‌نمایی گفتاری^{۴۸} در سبک زبانی گفتار زنان را نشان می‌دهد و نمایانگر کمبود اعتماد به نفس و در نتیجه مظهر زبان ضعیف به شمار می‌آید.

۲-۴-۱-۳- صورت‌های سوالی

لیکاف مدعی است که تمایل زنان در کاربرد صورت‌های سوالی در گفتارشان و یا به کارگیری صورت خیزان در ادای جملات خبری حاکی از عدم اطمینان به گفتارشان است و همین باعث می‌شود تا نسبت به زمانی که از جملات قاطع استفاده می‌کنند، دارای اعتماد به نفس کمتری باشند.

۲-۴-۱-۴- افعال و قیود تردیدی

صورت‌های تردیدی شامل قیود تردیدآمیز مانند «شاید، احتمالاً» و افعال وجهی که نشانگر تردیدند مانند «ممکن است و می‌توان» و افعالی همچون «فکر می‌کنم» هستند که متغیرهای زبان عاری از قدرت محسوب می‌-

45.N.Fairciough

46.W.O.Beeman

47 W.M .O,Barr & B.K.Atki

48.speaking in italics

شوند (کره‌ئی ۱۳۸۴). افعال تردیدی معمولاً بیانگر، شک و تردید و احتمال هستند و دارای این ویژگی هستند که وقوع آن‌ها در جمله اثربخشی واژه‌های دیگر را تضعیف می‌کند (مک فادین^{۴۹}، ۱۹۹۶: ۳۵۵). در انگلیسی واژه‌هایی همچون « maybe, probably, perhaps » در این گروه واقع می‌شوند. در زبان فارسی هم همراه شدن قیود شک و تردید اثر مشابهی بر ساختار جمله دارد و در واقع از قطعیت جمله می‌کاهد. واژه‌هایی که در زبان فارسی می‌توانند در این دسته‌بندی قرار گیرند عبارتند از «شاید، احتمالاً، گویا و پنداری». بنابر شم زبانی عده‌ای از فارسی‌زبانان از جمله کارشناسان و براساس آنچه در برخی از کتب دستور آمده است (شریعت، ۱۳۷۲: ۳۱۵)، عباراتی چون به نظر من، به گمان من، به نظرم نیز میان این عوامل جای دارند.

۲-۴-۱-۵- پرکننده‌ها

پرکننده‌ها کلمات یا عباراتی هستند که معمولاً از معنای اصلی خود تهی شده‌اند و در جریان گفتار خلاءها را پر می‌کنند. پرکننده‌ها در زبان انگلیسی عبارتند از « you know/ I mean/ you see » و از این قبیل عبارات. در زبان فارسی پرکننده‌ها طیف وسیعی از این جملات و عبارات را در بر می‌گیرند. گرچه بعضی از این عوامل در میان بسیاری افراد مشترکند مانند «مثلاً/ بعداً، به اصطلاح» ولی واژگان بسیاری نیز وجود دارند که منحصراً توسط فرد یا افرادی بنابر عادت به کار می‌روند و استفاده از آن‌ها عمومیت چندانی ندارد. با این وصف تعداد و تنوع کلماتی که در زبان فارسی جز این گروه محسوب می‌شوند بسیار است و می‌تواند یک کلمه و یا یک عبارت باشد مانند «بعداًنش هم که، اینجوری‌ها و از این قبیل»، بسامد استفاده از پرکننده‌ها در زبان فارسی بسیار است و معمولاً از یک یا چند واژه به طور مکرر در این جایگاه استفاده می‌شود (مهدی‌پور، ۱۳۷۸).

۲-۴-۲- متغیرهای قدرت در گفتمان

ضمیر من، قطع‌گفتار^{۵۰}ها و افعال امری و خشن از متغیرهای قدرت در گفتمان محسوب می‌شوند.

۲-۴-۲-۱- کاربرد ضمیر من

براساس آنچه کشاورز (۱۳۷۱) مطرح می‌کند، در شرایطی که گوینده قصد نشان دادن قدرت یا موقعیت برتر خود را داشته باشد از ضمیر «من» به شکل تأکیدی استفاده می‌کند مانند من اینطور فکر می‌کنم.

۲-۴-۲-۲- قطع‌گفتار

قطع‌گفتار فرایندی است که در آن یکی از مشارکین مکالمه، کلام طرف مقابل خویش را قطع می‌کند. وست و زیمرمن (۱۹۷۵) و به دنبال آن شگلف (۱۹۸۷)، قطع‌گفتار را به‌عنوان تخطی از سیستم نوبت‌گیری می‌دانند. آن‌ها معتقدند قطع‌گفتار عملی خصمانه در قبال حق فردی است که در حال صحبت بوده‌است. به عقیده وست و

49.R.G.McFadyen
50.interruption

زیمرن در محیط‌های مختلط قطع‌گفتار فقط از سوی مردان صورت می‌گیرد. جان نژاد (۱۳۸۰)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به این نتیجه رسیده است که گویشوران مرد بیش از گویشوران زن، حرف مخاطبین خود را قطع می‌کنند و اکثراً این قطع‌گفتارها از نوع سلطه‌گری و تحکمی است.

۲-۴-۳- افعال امری و خشن

بنابر عقیده‌ی جان نژاد (۱۳۸۰)، صورت‌های امری و اصطلاحات خشن از ویژگی‌های رفتار زبانی گویشوران مرد محسوب می‌شود. برزگر آق قلعه (۱۳۷۸) نیز براین باور است که رفتار کلامی مردان در جامعه‌ی مردسالار همواره با ویژگی‌هایی همراه با خشونت و تندخویی شناخته می‌شوند. به عقیده‌ی عسگری (۱۳۷۵)، مردان تمایل زیادی به کاربرد گونه‌های ناخوشایند اجتماعی دارند در حالی که زنان از به‌کارگیری این گونه‌ها اجتناب می‌ورزند.

۲-۵- مکالمه و نوبت‌گیری

حال باتوجه به توضیحاتی که درباره متغیرهای پژوهش داده شد به بحث درباره فرایند مکالمه و به تبع آن نوبت‌گیری می‌پردازیم. مکالمه عملی است که در اکثر موارد دو یا چند نفر به نوبت به گفتگو می‌پردازند و بین نوبت‌های سخن‌گفتن از سکوت اجتناب می‌شود. در مکالمه همواره نقش‌های گوینده یا شنونده بودن، ذاتاً در تغییرند. شخصی که اول صحبت می‌کند شنونده می‌شود و فرد مخاطب با شروع به صحبت، نقش او را در گفتگو می‌گیرد (ریچاردز^{۵۱} و همکاران، ۲۰۰۱: ۱۸۹). یکی از مهارت‌های ارتباطی در طی فرایند آغاز، تداوم و پایان سخن، اصل نوبت‌گیری و قطع‌کلام است که مشارکین گفتگو به شیوه‌های متعدد کلامی و غیرکلامی می‌توانند قصد خود را به‌منظور نوبت‌گیری و نوبت‌سپاری اعلام کنند. مکث‌ها^{۵۲}، پرکننده‌ها^{۵۳} لحن^{۵۴} فرد و عبارات دعایی و جمع‌بندی مطالب از مهم‌ترین نشانه‌های نوبت‌گیری محسوب می‌شوند. «نوبت‌گیری در گفتار، زمانی اتفاق می‌افتد که به‌هنگام مکالمه در آن واحد، تنها یک نفر صحبت کند و بقیه به صحبت‌های وی گوش فرا دهند و افراد دیگر پس از اتمام حرف وی به نوبت به گفتگو بپردازند» (جانبا، ۱۳۸۳: ۷). واحد اصلی در تحلیل مکالمه، نوبت‌گیری است. در تحلیل مکالمه پیاده شده، جمله شروع و شناسایی واحدهای مکالمه‌ای با نوبت‌گیری مشخص می‌شوند یعنی محلی که سخنگو تغییر کرده‌است (دیکرت و ویکرز^{۵۵}، ۲۰۱۱: ۲۰۹). کریستال در «فرهنگ زبان‌شناسی و آواشناسی» نوبت‌گیری را اینگونه تعریف می‌کند: «نوبت‌گیری اصطلاحی است در جامعه‌شناسی زبان، که به‌عنوان بخشی از ساختار مکالمه به‌کار می‌رود. مکالمه به معنای توالی نوبت‌های مکالمه‌ای است که در آن سهم هر مشارک در قالب رفتاری هماهنگ و قاعده‌بنیاد مشخص است. برخی قواعد حاکم بر نوبت‌گیری روشن هستند،

51. J.C. Richards

52. pauses

53. fillers

54. tone

55. Sh.K. Deckert & C.H. Vickers

(مثلاً در هر لحظه یک نفر باید صحبت کند)، اما توصیف دیگر قواعد دشوار است، (مثل قواعدی که نشان می‌دهد چه کسی باید در بحث گروهی ادامه صحبت دهد). در بحث فراگیر زبان، یادگیری نوبت‌گیری مکالمه در کودکان موضوع جذاب و قابل توجهی است» (کریستال، ۲۰۰۸: ۴۷۸).

به نظر می‌رسد که نوبت‌گیری یک عامل فرهنگی است زیرا بعضی از اقوام و ملل از کودکی یاد می‌گیرند که در حین مکالمه، نوبت‌گیری را رعایت کنند و برخی اهمیتی به نوبت‌گیری نمی‌دهند و برعکس به دلیل اشتیاق فراوانی که برای داشتن یک بحث و مکالمه زنده و فعال دارند، از قطع‌گفتار استفاده می‌کنند. پس هنگامی که نوبت‌گیری رعایت نشود قطع‌گفتار اتفاق می‌افتد.

به عبارتی هرگاه بیش از یک نفر در یک زمان، قصد سخن‌گفتن داشته باشند معمولاً یکی از آن‌ها صحبت خود را قطع می‌کند. مشارکین می‌توانند به شیوه‌های متعدد مانند مطرح کردن یک سوال و یا مکث کردن در پایان یک ساخت نحوی، پایان نوبت‌گیری خود را مشخص کنند و به دنبال آن سایر مشارکین در مکالمه نیز می‌توانند به طرق مختلف کلامی و غیر کلامی علاقه‌مندی خود را برای صحبت کردن اعلام کنند. اما شیوه متداول آن است که نکات پایانی با مکث در انتهای جمله حاصل شود. یکی دیگر از روش‌های ادامه دادن صحبت آن است که سعی شود طرفین مکالمه با هم تلاقی صحبت نداشته باشند. بدین معنا که در پایان جمله مکث صورت نگیرد تا اجازه داده شود تا جمله‌ها با استفاده از حروف ربط مانند (و، سپس، بنابراین و ...) ادامه یابد و در جاهایی ادامه یابد که سخن هنوز تمام نشده‌است و ترجیحاً از علائم تأمل استفاده شود. این نوع شیوه‌های مکالمه‌ای را نباید به خودی خود، به‌عنوان روش‌های تحکم‌آمیز یا تسلط در مکالمه به‌شمار آورد.

۲-۶- بافت مکالمه‌ای

بافت، موقعیتی عینی است که در آن گفتمان بیان می‌شود. بافت تمامی عوامل همچون مکان، زمان، هویت، ماهیت و روابطی که طرفین را با یکدیگر درگیر می‌کند را دربرمی‌گیرد. در یک کلام، بافت تمام آن چیزهایی است که باید دقت کرد تا یک گفتمان را فهمید و ارزیابی کرد. بنابراین، موضوع کاربردشناسی عمومی‌ترین روابط میان گفته و گفته‌پرداز میان جملات و بافت‌های تولیدی‌شان است. بافت افرادی را دربرمی‌گیرد که در دنیای واقعی وجود دارند. هویت طرفین مکالمه، محیط فیزیکی و اجتماعی‌شان، زمان و مکان بیان گفته‌هاست (عثمان-بری، ۲۰۰۲). کریستال در تعریفی دیگر بافت را اصطلاحی برای ارجاع به ویژگی‌های جهان غیرزبانی می‌داند که با کد واحدهای زبانی که به‌طور نظام‌مند با آن در ارتباط است مورد استفاده قرار می‌گیرد. اصطلاح موقعیت نیز در ترکیبی مانند بافت موقعیتی به همین معنی به‌کار رفته است. بافت موقعیتی در گسترده‌ترین معنا، شامل کل پس‌زمینه‌ی غیرزبانی یک متن یا پاره‌گفتار می‌باشد (کریستال، ۲۰۰۸).

۷-۲- قطع گفتار

حال به طور مجزا به قطع گفتار و انواع آن می‌پردازیم. قطع گفتار یکی از جنبه‌های مهارت کلامی است و زمانی رخ می‌دهد که مشارک دوم گفتگو در بین سخنان مشارک اول شروع به صحبت کند در حالی که صحبت مشارک اول هنوز تمام نشده باشد اما به ناچار صحبتش را نیمه تمام بگذارد و سکوت کند و قطع‌کننده‌ی کلام وی به صحبتش ادامه بدهد (رضایی، ۱۳۸۳: ۶). از نظر هیرشمن (۱۹۷۹) قطع گفتار زمانی اتفاق می‌افتد که دو صدا با همدیگر همپوشی کنند و مشارک دوم که صحبت مشارک اول را قطع کرده، قصد گرفتن زمینه‌ی صحبت را داشته و بخواهد متکلم وحده باشد. جک بیلمز^{۵۶} (۱۹۸۸) معتقد است که قطع گفتار عمل خصمانه‌ای است که در خصوص حقوق مشارکین انجام می‌شود، وی می‌افزاید که این کار تحلیل‌گران نیست که تشخیص دهند قطع گفتار انجام شده است بلکه این خود افراد درگیر در مکالمه هستند که باید تشخیص دهند که صحبتشان قطع شده است یا نه. هرچند خود آن‌ها نیز نباید همیشه از یک قاعده‌ی خاص پیروی کنند بلکه شرایط حاکم بر گفتگو به آن‌ها نشان خواهد داد آیا این قطع گفتار عملی خصمانه است یا تنها ابراز علاقه جهت مشارکت در بحث و گفتگو است؟ در ادامه بیلمز می‌گوید معانی ضمنی دیگری در ورای قطع گفتار وجود دارند یعنی قطع گفتار را می‌توان به صورت یک طیف وسیع اعمال، در نظر گرفت. از جنبه‌های منفی این فرایند می‌توان به عمل خصمانه سو استفاده از حق صحبت کردن و نیز بی‌ادبی اشاره کرد و از جنبه‌های مثبت آن نیز می‌توان به تملق گفتن، تسلی خاطر دادن و تبریک گفتن در بین صحبت طرف دیگر اشاره کرد (افتخاری، ۱۳۷۸: ۳۹-۳۰).

۷-۲-۱- انواع قطع گفتار

از جنبه‌های گوناگون می‌توان انواع مختلفی برای قطع گفتار در نظر گرفت که عبارتند از:

۷-۲-۱-۱- قطع گفتار موفق: در این نوع قطع گفتار، مشارک اول زمینه را به شخص قطع‌کننده واگذار

می‌کند.

۷-۲-۱-۲- قطع گفتار ناموفق: در این نوع قطع گفتار مشارک اول، دوباره زمینه صحبت را به دست می‌

گیرد و به صحبت خود ادامه می‌دهد و شخص قطع‌کننده سکوت اختیار می‌کند.

۷-۲-۱-۳- قطع گفتار همکارانه: زمانی صورت می‌گیرد که مشارک دوم، جملات خود را فقط جهت

حمایت از مشارک اول بیان می‌کند و یا به خاطر این که مشارک اول به صحبت خود ادامه دهد نه این که زمینه صحبت را از وی بگیرد.

۷-۲-۱-۴- قطع گفتار غیرهمکارانه: زمانی صورت می‌گیرد که مشارک دوم با گفتارش بخواهد زمینه

صحبت را از مشارک اول بگیرد.

۲-۷-۱-۵- قطع گفتار موضوعی: هنگامی که مشارک دوم، صحبت مشارک اول را قطع کند ولی همان موضوع صحبت را ادامه دهد.

۲-۷-۱-۶- قطع گفتار غیر موضوعی: هنگامی که مشارک دوم، صحبت مشارک اول را قطع می‌کند و در عین حال موضوع بحث را نیز تغییر می‌دهد و صحبت را به موضوع جدیدی می‌کشد.

۲-۷-۱-۷- قطع گفتار آگاهانه: هنگامی که شخص تعمداً کلام طرف مقابل را قطع کند، قطع گفتار آگاهانه است.

۲-۷-۱-۸- قطع گفتار ناآگاهانه: هنگامی که شخص بدون منظور خاصی و ناخودآگاه کلام طرف مقابل را قطع کند، قطع گفتار ناآگاهانه است. برای وقوع هر کدام از آن‌ها می‌توان دلایلی را نام برد.

۲-۷-۲- علل وقوع قطع گفتار آگاهانه

وقوع قطع گفتار آگاهانه می‌تواند به دلایل زیر باشد:

- هنگامی که شخص به دلیل بی‌علاقگی به موضوع سعی دارد زمینه بحث را تغییر دهد.
- شخص می‌خواهد تسلط و حاکمیت خود را نشان دهد و به دلیل جایگاه اجتماعی برتری که دارد خود را محق می‌داند هر زمان که خود مایل باشد کلام طرف مقابل را قطع کند. به عنوان مثال گفتگوی شاگرد و معلم، رئیس و مرئوس
- شخص می‌خواهد طرف مقابل را متوجه کند که صحبت وی به درازا کشیده و حالا نوبت اوست که رشته‌ی کلام را در دست بگیرد.

- به دلایل زیر شخص می‌خواهد نظر خود را بگوید:

الف. به نظرش موضوع صحبت وی جالب‌تر است.

ب. حرفی برای گفتن دارد که اگر در آن لحظه نگوید، فراموش می‌شود.

ج. حرفی برای گفتن دارد که اگر در آن لحظه نگوید، مبحث گفتگو تغییر کرده و دیگر ارتباطی با آن پیدا نمی‌کند.

د. شخص می‌خواهد طرف مکالمه را از وقوع اتفاقی باخبر کند مثلاً از وقوع خطر یا هشدار در مورد عملی که وی انجام می‌دهد (افتخاری، ۱۳۷۸).

۲-۷-۳- علل وقوع قطع گفتار نا آگاهانه

وقوع قطع گفتار ناآگاهانه نیز می‌تواند به دلایل زیر باشد:

- شخص می‌خواهد در بحثی فعال و زنده شرکت کند و به همین خاطر کلام طرف مقابل را قطع می‌کند تا به وی نشان دهد که علاقه‌مند به ادامه بحث و گفتگو بوده و دوست دارد در بحث مشارکت کند.

-شخص اصولاً به نوبت‌گیری اهمیت نمی‌دهد چون:

الف) نوبت‌گیری را نیاموخته است.

ب) گاه آن را ناآگاهانه رعایت نمی‌کند.

- همان لحظه مطلب جالبی به ذهن شخص خطور می‌کند که اگر مطرح نکند، دیگر گفتن آن لزومی یا

لطفی نخواهد داشت مانند طنز و لطیفه مرتبط با موضوع گفتگو.

- شخص می‌خواهد حرف خود را بگوید، چون ممکن است فراموش شود.

-شخص می‌خواهد طرف را از وقوع خطری آگاه سازد مثل خطر برخورد با بخاری (افتخاری، ۱۳۷۸: ۷۷-

۷۳).

۲-۸- همپوشی

هنگامی که مشارک دوم، در بین صحبت مشارک اول شروع به سخن گفتن کند بی‌آن‌که وقفه‌ی قابل درکی

به جای بگذارد، در اینجا شخص با گفتار خود صحبت طرف مقابل را تأیید (یا گاه رد) می‌کند ولی قصد گرفتن

زمینه‌ی صحبت را ندارد (همان). همپوشی^{۵۷} ممکن است از یک کلمه تا چند کلمه بوده و یا هجایی از یک جمله

هم باشد و در نهایت به یک جمله هم می‌رسد ولی از این مقدار تجاوز نمی‌کند.

۲-۹- عوامل دخیل در انتخاب راهبردهای مکالمه:

به‌طور کلی از تحقیقات انجام شده می‌توان دریافت که سه عامل در راهبردهای مکالمه به‌خصوص نوبت-

گیری تأثیر قابل توجهی دارند که عبارتند از فرهنگ^{۵۸}، جنسیت و قدرت که در ادامه به تأثیر هر یک از این عوامل

بر نوبت‌گیری خواهیم پرداخت.

۲-۹-۱- قدرت در نوبت‌گیری:

نوبت‌گیری در صحبت کردن بستگی به ماهیت نظام نوبت‌گیری، بکار گرفته شده و نظام نوبت‌گیری نیز به

نوبه خود بستگی به روابط قدرت بین مشارکین دارد و خود بخشی از آن را تشکیل می‌دهد. در واقع نظام نوبت-

گیری ارائه شده توسط ساکس و همکاران (۱۹۷۴)، برای مکالمات غیررسمی بین افراد همتراز است. امکان وقوع

بالفعل چنین مکالماتی در جوامع طبقاتی قدرتمند بسیار محدود است. ون دایک^{۵۹} (۱۹۹۷) در این باره چنین

اظهارنظر می‌کند که در گفتگو بین افراد غیر همتراز، حقوق نوبت‌گیری نیز نابرابر است. اغلب مشارکین

راهبردهای خاصی برای تعدیل نقش قدرت به‌کار می‌برند. ابهام یا دو پهلو صحبت کردن، شگردی است در دست

مشارکین کم قدرت برای مقابله با صاحبان قدرت. اما کسانی که قدرت دارند ممکن است با اجبار به صریح‌تر

57. overlap

58. culture

59. T.A. VanDijk

Family name: Alizadeh Nabil	Name:Leila
Title of Thesis: An examination and explanation of gender role in turn-taking in dialogue process between Iranian speakers.	
Supervisor: Dr. Seyyed Mohammad Razinejad Advisor: Dr. Tohid Siami	
Graduate Degree M.A.	
Major:Linguistics	Specialty:General
University: Mohaghegh Ardabili	Faculty: Literature and Humanities
Graduation date: 19/2/2017	Number of pages:91
<p>Abstract:</p> <p>The present study has been accomplished in sociolinguistics and discourse analysis modules and it aims to study the social and non- linguistic factor of "gender" in turn-taking . The researcher tries to evaluate the effect of both genders' conversations - that of men and women associates- in regards to the "dominance theory" (Lakoff, 1973) and with respect to Halliday's interpersonal meta- functions. The movie "Vakonesh- e- Panjom" (The Fifth Reaction) has been chosen to obtain the corpus, cause it has gender and power standards within its conversations of associates. The data have been analyzed in qualitative and quantitative forms. According to "dominance theory", certain linguistic features, which have occurred in both men and women talks were extracted from different gender affected contexts and the frequency of each occurrence in different generic contexts has been calculated. The data was analyzed according to the second theoretical framework and the interpersonal metafunctions which have been used in each genders' talks were extracted.. The conclusion is that the people who used certain linguistic features and interpersonal aspects that have the implication of power, had the most and longer turn- taking in discourse and according to the "dominance theory" and Halliday point of view, the power between men and women, is not distributed equally. On the other hand, there are various non-verbal factors such as culture, education, occupation and so forth which affect turn-taking processes in certain contexts.</p>	
Keywords:turn- taking, gender, sociolinguistics, linguistic features, interpersonal metafunctions.	



University of Mohaghegh Ardabili
Faculty of Literature and Human Sciences
Department of Foreign Language

**Thesis submitted in partial fulfilment of the requirements for the degree of
M.A. in General Linguistics**

Title:

**An examination and explanation of gender role in turn-taking in dialogue
process between Iranian speakers.**

Supervisor:

Seyyed Mohammad Razinejad (Ph.D.)

Advisor:

Tohid Siami (Ph.D.)

By:

Leila Alizadeh Nabil

February-2017